

خودکشی هاشمی ! قسمت دوم

قدیس یا ابلیس!؟



عطف به موارد مطرح شده در مقاله «[خودکشی هاشمی](#)» بعد از انتشار آن مقاله اتفاقاتی از جمله انتشار دو تصویر از پیکر مرحوم هاشمی در صفحات مجازی روی داد که تا حد زیادی نقاط کور و مبهم موجود در طول ماجرای خبر درگذشت آن مرحوم تا مراسم تدفین ایشان را پرده برداری می کند که این اتفاقات تا حد زیادی می تواند فرضیه خودکشی «آیت الله» را مقرون به صحت کند.

از جمله ماجرای استفاده از دو تابوت متفاوت در مراسم تشیع آیت الله و توضیحات ناموجه محمد هاشمی در خصوص چرائی این دو گانگی در استفاده از تابوت بود.

مطابق تصاویر ضمیمه پیکر مرحوم هاشمی ابتدا در تابوتی قرار گرفت که در دانشگاه تهران مشهود شد و آیت الله خامنه ای نیز مقابل همین تابوت اقدام به قرائت نماز میت کردند. اما در ادامه ملاحظه شد در مراسم تشییع «تابوت دومی» بر بام یک کامیون طناب پیچ شد و در خیابان و در حلقه عزاداران آن مرحوم مشایعت گردید.



آقای محمد هاشمی برادر ارشد مرحوم هاشمی فردای مراسم تشییع در توضیح چرائی دو گانگی تابوت های مزبور اظهار داشتند:

این موضوعات تنها حاشیه‌سازی‌های بی‌مورد است. تابوت هنگام نماز با تابوتی که در خیابان روی ماشین حمل پیکر بود، کاملاً متفاوت بود و ما در این زمینه حرفی نداریم. با توجه به تجربه‌ای که زمان تشییع پیکر امام خمینی(ره) وجود داشت، تصمیم ما و ستاد برگزاری مراسم بر این شد که دو تابوت متفاوت داشته باشیم، تابوت اول که هنگام نماز بود، ارتفاع کمتری داشت، سبک‌تر و قابل‌حمل بود، تابوت دوم اما سنگین‌تر و با ارتفاع بلندتری بود که خدایی نکرده اتفاقی برای پیکر نیفتد ولی همه این‌ها دلیل بر انتشار اخبار کذب نمی‌شود.



تابوت اولیه هاشمی در دانشگاه تهران



تابوت دوم هاشمی که در مراسم تشییع استفاده شد

اشاره محمد هاشمی به تجربه تشییع پیکر امام ناظر بر آن واقعیت است که زمان ورود تابوت مرحوم امام در حلقه عزاداران ایشان در بهشت زهرا با هجوم مردم و بی تابی ایشان تابوت معظم له در کانون هجوم علاقه مندان قرار گرفت تا جایی که صورت و بخشی از پیکر امام از کفن بیرون افتاد.

با فرض قبول توضیحات محمد هاشمی مبنی بر دوراندیشی بابت اجتناب از اتفاق مشابه برای تابوت مرحوم هاشمی آنگاه جای این پرسش باقی می ماند که با قبول چنین فرضی چرا از ابتدا پیکر مرحوم هاشمی در همان تابوت مستحکم تر قرار نگرفت و چه لزومی داشت تا نخست تابوت موجود در دانشگاه تهران استفاده شود و در ادامه مراسم، تابوت تعویض شود؟

گذشته از آنکه مطابق تصاویر موجود از هر دو تابوت، تفاوت بارزی از حیث استحکام یا ارتفاع بین تابوت نخست با تابوت دوم مشهود نیست! اما به هر حال معلوم نیست چه اصراری بوده تا تابوت دوم

بدان شکل به سقف یک کامیون بلند ارتفاع منتقل شده و به آن شکل نامتعارف طناب پیچ شود و 8 نفر مامور نیز بر بالای سقف کامیون اقدام به محافظت از تابوت مزبور نمایند؟

از همه اینها مهم تر آنکه با فرض صحت توجیهات محمد هاشمی پس چرا علی رغم استفاده از تابوت دوم بدلیل استحکام و ارتفاع بیشتر اما باز مشاهده گردید تابوتی که در بهشت زهرا وارد صحن مطهر شد در کمال تحیر همان تابوت نخستی است که در دانشگاه تهران بود و رهبری بر آن نماز گذارد؟! (به عکس های ضمیمه توجه شود)



تابوت در حال تشییع در خیابان های تهران



همان تابوت اولیه مرحوم هاشمی اینک در صحن امام!

آیا این امر بدین معنا است که پیکر مرحوم هاشمی در میانه راه و در نقطه ای نامعلوم و برای بار سوم جابجا شده و متوفی مجدداً از

تابوت دوم به تابوت نخست منتقل شده اند؟!؟

در این صورت معنای این تابوت بازی ها چیست؟ و از چه زمانی در ایران رسم شده در مراسم تشییع و تدفین با پیکر متوفی به روال «شل گیم – Shell Game» تابوت بازی کنند؟!؟



Shell game

جز آنکه روایت اصلی آن است که پیکر مرحوم هاشمی از ابتدا تا انتها در همان تابوت دیده شده در دانشگاه تهران قرار داشت که رهبری بر آن نماز میت خواند و بعد از نماز نیز مخفیانه با خودروئی دیگر به بهشت زهرا منتقل شد و تابوت دوم در واقع خالی از پیکر آن مرحوم در خیابان های تهران تشییع شده؟!؟

در آن صورت جای این پرسش باقی خواهد ماند که این همه محکم کاری و برخورد امنیتی در مراسم تشییع اعم از قرار دادن تابوت در بلندای کامیونی مرتفع و طناب پیچ کردن نامتعارف تابوت و هشت محافظ را نیز بر سقف کامیون محافظ تابوت قرار دادن برای چه منظوری بوده؟

آیا همه این محکم کاری ها بدان سبب بود تا احیاناً در صورت تکرار تجربه مراسم تشییع مرحوم امام مانع از هویدا شدن پیکر مرحوم هاشمی شوند؟!؟

اما بر فرض نیز که همه آن قایم باشک بازی ها بدین منظور صورت گرفته در آن صورت جای این پرسش باقی می ماند که به چه دلیلی صاحبان عزا تا آن اندازه پروای دیده شدن پیکر مرحوم هاشمی را داشتند؟

پرسشی که پاسخ آن را می توان در فردای ادعای سردار سعید قاسمی در مورد چرائی استنکاف از نشان دادن چهره متوفی توسط صاحبان عزا ریشه یابی کرد که نهایتا منجر به آن شد تا بالاخره دو تصویر نچندان خوش زاویه از صورت مرحوم هاشمی بعد از مراسم غسل توسط منسوبان متوفی منتشر شود!

تصاویری که می تواند تا حدود زیادی راز آن همه احتیاط و محکم کاری در مراسم تشییع بمنظور دیده نشدن محتمل پیکر مرحوم را هویدا کند.

از جمله آنکه در دو تصویر منتشره از چهره جسد بی جان مرحوم هاشمی امر نامعمولی مشهود است دائر بر آنکه برخلاف آداب کفن و دفن در عرف اسلامی پارچه سفید و نالازمی نیز بر پیشانی متوفی قرار دارد.



پارچه ای که ناخواسته چرائی استفاده از آن بر شقیقه آیت اله را القای به ذهن می کند مبنی بر آنکه آیا پارچه مزبور بمنظور استتار جراحی بر شقیقه «آیت اله» بر پیشانی ایشان قرار گرفته؟!

لازم به ذکر است در مقاله «خودکشی هاشمی» که قبل از انتشار این تصاویر تحریر شد چنین احتمال داده شده بود که انتحار از طریق «فصد» صورت گرفته اما اکنون و با توجه به دو تصویر منتشر شده از آیت الله می توان چنین گمانه زد که آن مرحوم در تقلای رهایی از «افسردگی مبتلا به» انتحار از طریق شلیک با تپانچه به شقیقه را برگزیده اند!

روالی که نزد اکثر مبادرت ورزان به «خودکشی ناشی از افسردگی» متداول بوده و قربانی در انتخاب شیوه خودزنی بجای موارد زمانمند و توام با درد و رنج، شلیک به شقیقه را برمی گزیند که از اثر آنی و قطعی و بدون درد برخوردار است!



تصویر خودکشی مشابه یک فرد ناشناس از طریق شلیک به شقیقه را نشان می دهد